



چهارشنبه 29 آذر 1396 - 1 ربیع الثانی 1439 - 20 دسامبر 2017

هجوم روس‌ها به تبریز و گیلان پس از اولتیماتوم به دولت ایران (1290 ش)

هجوم روس‌ها به تبریز و گیلان پس از اولتیماتوم به دولت ایران (1290 ش)

پس از اولتیماتوم روسیه به دولت ایران برای اخراج مورگان شوستر، کارشناس اقتصادی آمریکایی در ایران، دولت ایران این اولتیماتوم را در 28 آذر 1290 ش پذیرفت. اما پذیرش ذلت‌بار اولتیماتوم روس‌ها که به امید پایان یافتن زیاده‌خواهی‌ها و بهانه‌گیری‌های دولت روسیه انجام گرفت، نه تنها مشکلی را حل نکرد، بلکه دامنه تجاوزات آنها را گسترش داد. در این میان، شهر تبریز که به علت مقاومت دلیرانه در برابر عناصر وابسته به روس‌ها از جمله محمدعلی شاه، بیش از دیگر شهرها مورد خشم روس‌ها بود، در سحرگاه این روز برابر با 29 ذی‌حجه 1329 ق، آماج حملات قزاق‌های روس قرار گرفت. روس‌ها به بهانه بی‌احترامی پاسبان نظامی تبریز به مامور روسی، کشتار مردم شهر را آغاز نمودند و نقاط حساس شهر را به تصرف خود درآوردند. سپس به تاراج اموال مردم و قتل آنان پرداخته و هرگونه مقاومتی را با تفنگ پاسخ دادند. روس‌ها در روزهای بعد این جنایات خود را ادامه داده و در دهم دی ماه آن سال برابر با عاشورای 1330 ق، ثقه الاسلام تبریزی، عالم بزرگ شهر را به دار زدند. همزمان با تبریز، روس‌ها به گیلان نیز یورش بردند و جنایات مشابهی را رقم زدند. آنان به هر کس که مشکوک می‌شدند، می‌کشتند و از ارتکاب هر نوع ظلم و خشونت، دریغ نکردند. در این حال مردم رشت بنابر فتوای مراجع، از خرید کالاهای روسی و انگلیسی خودداری می‌کردند و از مقاومت در برابر نیروهای روس، غافل نبودند. اما روس‌ها این استقامت عمومی را با قتل مردم به طرق مختلف پاسخ دادند. درگذشت "جان اشتاین‌یک" رمان‌نویس بزرگ آمریکایی (1968م)

جان ارنست اشتاین‌بک، نویسنده معاصر آمریکایی در 27 فوریه 1902م در ایالت کالیفرنیا آمریکا به دنیا آمد. وی در 17 سالگی وارد دانشگاه استنفورد شد، اما پس از چند سال تحصیل در رشته زیست‌شناسی، بدون اخذ دانش‌نامه، دانشگاه را ترک کرد. اشتاین‌بک در 27 سالگی اولین اثر خویش با نام فنجان زرین را منتشر کرد و وارد عرصه نویسندگی گردید. وی در سال‌های بعد با انتشار آثاری دیگر، به اعتبار و تکامل ادبی دست یافت و در شمار ادیبان درآمد. اشتاین‌بک نویسنده‌ای رئالیست و واقع‌گرا است که با سبکی بسیار قوی و محکم و نثری جالب، به تشریح فقر و بیچارگی اجتماع دست زده و حقایق دردناکی از زندگی بیچارگان را بیان می‌نماید. شهرت او با نوشتن رمان خوشه‌های خشم تکمیل شد که در آن به صورتی هیجانی و انگیز و مؤثر، زندگی یک خانواده آواره و عصیان‌کارگران محروم را توصیف کرده است. این کتاب مورد استقبال مردم قرار گرفت و به دریافت جایزه ادبی پولیتزر، نائل آمد. موضوع اصلی آثار اشتاین‌بک، رابطه انسان و کائنات است. کتاب‌های او هم نماینده نومیدي نویسنده‌اند و هم نمایانگر روح مبارز او. اشتاین‌بک که استاد ادبیات کارگری است، زندگی قربانیان بدبختی را با مهارت و بیانی ساده ترسیم کرده است. سبک او از رمانتیسیم و وادی شاعرانه به واقع‌گرایی و شکل‌آفرینش از آرایه‌ها و پیرایه‌های زبانی به سویی سادگی و روشنی تکامل یافته است. اشتاین‌بک در شرح جزئیات، توصیف مناظر، نمایاندن حالات و تأثیرات و بیان خاطرات، قدرت فراوانی دارد و آثار او آمیزه‌ای از واقع‌گرایی و تخیل سرشار از شوخ طبعی و درک اجتماعی است. آثار نخستین جان اشتاین‌بک، از ادراکی کامل درباره زندگی و نظری بلند و وسیع درباره مسائل انسانی و سلامت روح برخوردار است که با روشی تغزلی، حماسی یا طنزآمیز و لحنی واقع‌گرایانه بیان شده و در ادبیات معاصر آمریکا مقام عالی به دست آورده است. گفته می‌شود که در سال‌های پایانی عمر، آثار اشتاین‌بک در سرانحیبه ادبی افتاد و آن قدرت کامل موجود در آثار اولیه را نداشت با این حال، وی در سال 1962م به دریافت جایزه ادبی نوبل توفیق یافت. از اشتاین‌بک حدود بیست عنوان کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است که خوشه‌های خشم، موش‌ها و آدم‌ها، مروارید و اتوبوس سرگردان از آن جمله‌اند. جان اشتاین‌بک سرانجام در 20 دسامبر 1968م در 66 سالگی درگذشت. پایان جنگ هند و پاکستان بر سر استقلال بنگلادش (1971م)

شبه قاره هند از آغاز دهه 1970م، صحنه جنگ‌ها و تنش‌های سیاسی شدیدی بود. پاکستان از بدو استقلال به علت تقسیم آن به دو بخش شرقی و غربی که در دو سوی شبه قاره هند قرار داشتند وضع نامتعادلی داشت. پاکستان شرقی با جمعیت بیشتر و منابع طبیعی کمتر، بیش از پاکستان غربی از فقر و مشکلات اقتصادی رنج می‌برد و این احساس که رهبران پاکستان، که بیشتر از سکنه پاکستان غربی بودند، چندان توجهی به اوضاع پاکستان شرقی ندارند به احساس نارضایتی در میان مردم پاکستان شرقی دامن می‌زد. از این رو مقدمات استقلال قسمت پاکستان شرقی فراهم شد، اما این امر با مخالفت پاکستان غربی روبرو گردید. با این حال، رهبران پاکستان شرقی اعلام استقلال کردند و کشور جدیدالاستقلال خود را بنگلادش به معنی ملت بنگال، خواندند. اما دولت پاکستان، استقلال

پاکستان شرقی را به رسمیت شناخت و در ماه مارس 1971م، با دخالت نظامی و اعمال قوه قهریه درصدد جلوگیری از تحقق یافتن استقلال این کشور برآمد. دخالت نظامی پاکستان، به مهاجرت میلیون‌ها نفر از اهالی پاکستان شرقی به هند انجامید و دولت هند برای متوقف ساختن سیل مهاجران، از پاکستان خواست که نیروهای نظامی خود را از بنگلادش بیرون ببرد و استقلال این کشور را به رسمیت بشناسد. پاکستان زیر بار نرفت و هند و پاکستان در روز سوم دسامبر سال 1971م وارد جنگ شدند. دومین جنگ هند و پاکستان نیز مانند جنگ اول این دو کشور که در سال 1965م بر سر کشمیر روی داد، به شکست نیروهای پاکستان از ارتش هند، که قوی‌تر و مجهزتر بود، انجامید. نیروهای پاکستان در بخش شرقی پس از ده روز جنگ، دست از مقاومت برداشتند و در نهایت پس از آن که جنگ در 20 دسامبر 1971م به پایان رسید، دولت پاکستان نیز به ناچار استقلال بنگلادش را به رسمیت شناخت.